

نام کارگروه: سیمرغ توسعه

مدیر: رضا مجیدزاده

تاریخ: ۱۵ شهریور ۱۴۰۱

تهیه کنندگان: رضا مجیدزاده

همکاران:

عنوان: دیدگاه گزارش کمیسیون عملکرد اقتصادی و پیشرفت درباره شاخص سازی

کلیدواژه: شاخص، درک عمومی، واقع‌نمایی

چکیده:

در فوریه ۲۰۰۸، نیکلا سارکوزی<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، از جوزف استیگلیتز<sup>۲</sup>، آمارتیا سن<sup>۳</sup> و ژان پل فیتوسی<sup>۴</sup> درخواست کرد تا با تشکیل یک کمیسیون که بعدها کمیسیون سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی<sup>۵</sup> (CMEPSP) نام گرفت، محدودیت‌های تولید ناخالص داخلی، به مثابه نماگری از عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی را مشخص و معضلات سنجش آن را شناسایی کنند تا اطلاعات اضافی لازم برای تولید نماگرهای مناسب‌تر برای پیشرفت اجتماعی، مشخص شود (استیگلیتز، سن و فیتوسی، ۲۰۰۹، ص ۳).<sup>۶</sup> در این گزارش، خلاصه دستاوردهای مربوط به گزارش‌های مختلف این کمیسیون، ارائه می‌شود.

<sup>۱</sup> - Nicholas Sarkozy

<sup>۲</sup> - Joseph Stiglitz

<sup>۳</sup> - Amartya Sen

<sup>۴</sup> - Jean Paul Fitoussi

<sup>۵</sup> - "The Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress" (CMEPSP)

<sup>۶</sup> - Stiglitz, Joseph E. Sen, Amartya, and Fitoussi, Jean-Paul (۲۰۰۹), " THE MEASUREMENT OF ECONOMIC PERFORMANCE AND SOCIAL PROGRESS REVISITED", OFCE - *Centre de recherché en économie de Sciences Po*, Viewed Online, ۲۹ April ۲۰۲۰, Accessible at:

[https://www.researchgate.net/publication/۲۳۹۸۰۷۲۱۲\\_The\\_Measurement\\_of\\_Economic\\_Performance\\_and\\_Social\\_Progress\\_Revisited\\_The\\_Measurement\\_of\\_Economic\\_Performance\\_and\\_Social\\_Progress\\_Revisited\\_Commission\\_on\\_the\\_Measurement\\_of\\_Economic\\_Performance\\_and\\_So](https://www.researchgate.net/publication/۲۳۹۸۰۷۲۱۲_The_Measurement_of_Economic_Performance_and_Social_Progress_Revisited_The_Measurement_of_Economic_Performance_and_Social_Progress_Revisited_Commission_on_the_Measurement_of_Economic_Performance_and_So).

دغدغه‌های محوری این کمیسیون، شامل موارد ذیل بود (همان، صص ۳-۴):

- نماگرهای آماری برای طراحی و ارزیابی سیاست‌های معطوف به پیشرفت جامعه، اثرگذاری بر نوسان بازارهای اقتصادی و ارزیابی آنها اهمیت دارد.
- آنچه سنجیده می‌شود، روی آنچه انجام می‌شود اثرگذار است؛ اگر سنجه‌ها مناسب نباشند آنگاه تصمیم‌های خوبی اتخاذ نمی‌شود. به محض احتساب فرسایش محیط زیست در سنجش عملکرد اقتصادی، انتخاب از بین ارتقای تولید ناخالص داخلی یا حفظ محیط زیست، یک انتخاب غلط خواهد بود.
- این گونه می‌نماید که بین سنجه‌های استاندارد متغیرهای مهمی مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری با درک عمومی، فاصله زیادی وجود داشته باشد.
- برای شکاف بین سنجش آماری پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی و درک عمومی شهروندان از همان پدیده‌ها، دلایل متعددی وجود دارد:
  - ممکن است مفاهیم آماری درست باشند اما فرایند سنجش کامل نباشد.
  - در بسیاری از موارد، درباره مفاهیم درست و استفاده مناسب از مفاهیم متفاوت، تردید وجود دارد.
  - اگر تغییرات نابرابری (یا توزیع درآمد) بسیار زیاد باشد آنگاه تولید ناخالص داخلی یا هر شاخص سرانه تجمیعی نظیر آن نمی‌تواند ارزیابی دقیقی از وضعیتی بدهد که افراد خود را در آن وضعیت درک می‌کنند. چنانچه نابرابری و تولید ناخالص داخلی سرانه هر دو افزایش یابند اما نسبت افزایش نابرابری به افزایش GDP سرانه به اندازه کافی بزرگ باشد آنگاه حتی در صورت رشد درآمد متوسط نیز مردم احساس می‌کنند که در وضعیت بدتری قرار گرفته‌اند.
  - برخی پدیده‌هایی که روی رفاه شهروندان اثری فزاینده دارند توسط آمارهای رایج پوشش داده نمی‌شود؛ برای نمونه، ازدحام ترافیک می‌تواند به خاطر افزایش مصرف بنزین، به افزایش GDP بیانجامد اما کیفیت زندگی را افزایش نمی‌دهد. اگر شهروندان نگران کیفیت هوا باشند و آلودگی هوا بالا رود آنگاه سنجه‌های آماری که آلودگی هوا را نادیده بگیرند، تخمین نادقیقی از رفاه شهروندان را نشان خواهند داد.

○ روش گزارش دهی یا استفاده از ارقام آماری نیز روی درک از روندهای اقتصادی موثر است. برای مثال، روی GDP تاکید می‌شود در حالی که محصول خالص ملی (یعنی احتساب اثر استهلاک در GDP) مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، GDP غلط نیست بلکه به روشی غلط استفاده می‌شود.

استیگلیتز، سن و فیتوسی (۲۰۰۹، ص ۱۱) شرح می‌دهند که نقطه شروع CMEPSP طرح این پرسش بود که چه عناصر و جنبه‌هایی از سنجش عملکرد اقتصادی به بهسازی نیاز دارد. سنجش تولید (که سطح اشتغال را نیز تعیین می‌کند) برای پایش فعالیت‌های اقتصادی ضرورت دارد. نخستین پیام مهم گزارش ما این است که زمان پذیرش سیستمی از سنجش فعالیت اقتصادی که دگرگونی‌های ساختاری مختص تکامل اقتصادهای مدرن را نشان دهد، فرا رسیده است. در عمل، سهم فزاینده خدمات و تولید کالاهای پیچیده‌تر، سنجش محصول عملکرد اقتصادی را در مقایسه با روال گذشته، دشوارتر کرده است. امروزه کالاهای بسیاری وجود دارد که از کیفیت پیچیده، چندبعدی و تغییرات سریع برخوردارند؛ خودروها، رایانه‌ها، ماشین‌های لباسشویی و مواردی از این دست. حتی خدماتی از قبیل خدمات پزشکی، آموزشی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و فعالیت‌های پژوهشی نیز به طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌شوند. در برخی از کشورها و بخش‌های اقتصادی، افزایش محصول، بیشتر یک موضوع مربوط به افزایش کیفیت کالاهای تولیدی و مصرفی است تا افزایش مقدار کالاهای تولیدی و مصرفی. محاسبه تغییر کیفی، یک چالش بزرگ اما حیاتی برای سنجش درآمد و مصرف واقعی (عوامل کلیدی رفاه مادی افراد) است. تخمین کمتر از میزان واقعی بهبودهای کیفی، معادل تخمین بیشتر از میزان واقعی نرخ تورم و از این روی، تخمین کمتر از میزان واقعی درآمد واقعی است و برعکس.

افزون بر این، در اقتصادهای امروزی دولت نقش مهمتری به عهده دارد چون مسئولیت ارائه خدماتی با ماهیت جمعی، همچون امنیت و خدماتی با ماهیت بیشتر انفرادی، از قبیل خدمت بهداشتی و آموزش، بر دوش دولت است. آمیخته‌ای از راه خصوصی و عمومی خدمات انفرادی، در میان کشورها و در زمان‌های مختلف، یکسان نیست. گذشته از سهم خدمات جمعی در سطح زندگی شهروندان، ارائه خدمات انفرادی مانند آموزش و بهداشت، امکانات عمومی ورزشی یا مسکونی اغلب از جانب شهروندان، مثبت ارزیابی می‌شود. ارائه این خدمات در مقیاس بزرگی صورت می‌پذیرد و از زمان جنگ جهانی دوم، به طرز چشمگیری افزایش یافته است اما در بسیاری از

موارد، سنجش آنها به درستی انجام نمی‌گیرد. روش سنتی سنجش این خدمات، در عوض اتکا به محصول واقعی تولیدی (مانند تعداد درمان‌های پزشکی ویژه)، بر پایه نهاده‌های ورودی برای تولید و ارایه آنها (مانند تعداد پزشکان) استوار بوده است. تطابق سنجش بر اساس تحولات کیفی، دشوارتر از خود سنجش است. چون فرض می‌شود که محصول به صورت جفت و پشت سر نهاده تولید می‌شود، تغییرات بهره‌وری در ارایه این خدمات به حساب نمی‌آید. در نتیجه، اگر بهره‌وری در بخش عمومی، دچار تغییر مثبت (منفی) شود آنگاه سنجش ما، رشد اقتصادی و درآمد واقعی را کمتر از میزان واقعی (بیشتر از میزان واقعی) تخمین خواهد زد<sup>۷</sup> (همان، صص ۱۱-۱۲).

در سپتامبر ۲۰۰۹، CMEPSP، در جریان یک کنفرانس در سوربن پاریس، گزارش خود را به نیکلا سارکوزی عرضه داشت. کمیسیون توصیه کرد تا قلمروی نماگرهای متعارفی که در سنجش پیشرفت اقتصادی به کار می‌رود، تا احتساب سنجه‌هایی از کیفیت زندگی، نابرابری، رفاه، توسعه پایدار و محیط زیست، گسترانیده شود. کمیسیون سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی (۲۰۰۹، صص ۱۲-۱۷) برای بهبود روش سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی، در گزارش خود چند توصیه ارایه داد:

- توصیه ۱: هنگام ارزیابی رفاه مادی، به جای تولید روی درآمد و مصرف تمرکز شود.

○ GDP رایج‌ترین سنجه فعالیت اقتصادی است و تولید بازاری را می‌سنجد که در واحدهای پولی نشان داده می‌شود. این شاخص اغلب به مثابه سنجه‌ای از رفاه اقتصادی در نظر گرفته شده است. در حالی که سطح زندگی مادی بیشتر به درآمد ملی خالص وابستگی دارد و در صورت احتساب استهلاک و جریان‌های درآمدی ورودی و خروجی کشور و تفاوت بین قیمت ستاده و محصولات مصرفی، امکان دارد که درآمد واقعی خانوارها و میزان مصرف و تولید در مسیری متضاد با درآمد حرکت کنند.

- توصیه ۲: روی دورنمای خانوار تاکید شود.

---

<sup>۷</sup> - به عبارت دیگر، اگر تعداد پزشکان ثابت بماند اما بهره‌وری کاهش یابد (یعنی درمان کمتری صورت گیرد) آنگاه چون فرض این است که هر پزشک تعداد معینی درمان ارایه می‌دهد، در عمل، رشد اقتصادی بیش از حد برآورد می‌شود در حالی که فرض تناظر یک به یک یا جفت بین نهاده و ستاده، نقض شده است چون مبنای سنجش تعداد درمان ارایه‌شده نیست.

○ ردیابی عملکرد اقتصاد به مثابه یک کل، اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد اما روندهای مربوط به سطح زندگی مادی شهروندان، از ارقام مربوط به درآمد و مصرف شهروندان، بهتر قابل استخراج است. دورنمای خانوار به معنای احتساب پرداخت‌های بین بخشی، مانند مالیات پرداختی به دولت، مزایای اجتماعی پرداختی دولت و بهره پرداختی وام‌های خانوارها به موسسات مالی است. درآمد و مصرف خانوار باید خدمات معمول دولتی، از جمله یارانه درمان و آموزش را نیز منعکس سازد. همچنین باید مشخص شود که چرا سنجه‌هایی مانند درآمد خانوار، بسته به منابع آماری زیربنایی، می‌تواند تغییرات متفاوتی داشته باشند.

● توصیه ۳: بررسی درآمد و مصرف همراه با ثروت.

○ برای ارزیابی سطح زندگی، آمار درآمد و مصرف، اهمیت بالایی دارد اما فقط در صورت احتساب همزمان با ثروت است که می‌توان به سنجش بهتری دست یافت. خانواری که ثروت خود را صرف کالاهای مصرفی می‌کند، به بهای چشم‌پوشی از رفاه آتی، رفاه جاری خود را بالا می‌برد. نتیجه چنین رویکردی، در ترازنامه خانوار و ترازنامه بخش‌های اقتصادی و کل اقتصاد نشان داده می‌شود. ترازنامه به اطلاعات جامعی از دارایی‌ها و بدهی‌ها نیاز دارد. سنجش ثروت به سنجش پایداری کمک می‌کند. آنچه به آینده منتقل می‌شود باید به عنوان ذخایر (فیزیکی، طبیعی، انسانی و سرمایه اجتماعی) بیان شود. ارزش‌گذاری درست این ذخایر، مهم اما چالش‌برانگیز است. اگر قیمت بازاری دارایی در دسترس نباشد یا بازار در معرض حباب قرار گیرد آنگاه به ترازنامه‌های آزمون استرس نیاز خواهند بود تا روش دیگری از ارزیابی دارایی‌ها میسر شود. در صورت عدم قطعیت یا دشواری در ارتباط با ارزش‌گذاری پولی، می‌توان شاخص‌های غیرپولی را مبنا قرار داد.

● توصیه ۴: به توزیع درآمد، مصرف و ثروت بیشتر توجه شود.

○ درآمد، مصرف و ثروت میانگین، آمارهای مهمی هستند اما کل واقعیات مربوط به سطح زندگی را نشان نمی‌دهند. ممکن است افزایش میانگین درآمد به صورتی نابرابر در میان گروه‌های مختلف توزیع شود و وضعیت برخی خانوارها نسبت به دیگر خانوارها بدتر شود. این ارقام باید همراه با نماگرهایی برای انعکاس توزیع آنها در میان جمعیت، ارائه شود. مصرف (درآمد و

ثروت) میانی<sup>۸</sup>، در مقایسه با مصرف (درآمد یا ثروت) میانگین، سنجه بهتری برای ارزیابی وضعیت افراد یا خانوارهاست. افزون بر این، اطلاع از رخدادهای پایین ترین سطح توزیع درآمد و ثروت (آمارهای فقر) یا بالاترین سطح آن نیز اهمیت دارد. باید ابعاد مختلف سطح زندگی (درآمد، مصرف و ثروت) لحاظ شود؛ یک خانوار کم درآمد اما دارای ثروت بالاتر از میانگین، به ضرورت، نسبت به یک خانوار دارای درآمد متوسط اما فاقد ثروت، وضعیت بدتری ندارد.

● توصیه ۵: گسترش ابزارهای سنجش درآمد به فعالیت‌های غیربازاری.

○ کارکردهای خانواده و جامعه دچار تحولات زیادی شده است. برای نمونه، بسیاری از خدماتی که پیشترها افراد از دیگر اعضای خانواده دریافت می‌کردند، امروزه از بازار خریداری می‌شود. این تغییر، به خاطر ثبت در حساب‌های ملی، به عنوان افزایش درآمد تفسیر می‌شود و می‌تواند درباره تغییر سطح زندگی، درک نادرستی ایجاد کند زیرا فقط یک جابجایی آرایه خدمات از غیربازار به بازار را منعکس می‌سازد. بسیاری از خدمات خانوارها برای خودشان، در آمارهای رسمی ثبت نمی‌شود در حالی که جنبه مهمی از فعالیت اقتصادی هستند. عدم احتساب آنها در آمارهای رسمی، عدم اطمینان درباره داده‌ها را به میزانی بیش از دشواریهای مفهومی نشان می‌دهد. باید کارهای منظمی در این زمینه انجام گیرد و اطلاعاتی درباره چگونگی گذران وقت توسط مردم (به صورت تطبیقی و روندی) فراهم شود.

○ به محض تمرکز روی فعالیت‌های غیربازاری، موضوع فراغت مطرح می‌شود. عدم تغییر در میزان کالاهای و خدمات مصرفی در عین کاهش ساعت کاری سالانه از ۲۰۰۰ به ۱۵۰۰ ساعت، دال بر افزایش سطح زندگی فرد است. اگرچه ارزشگذاری فراغت، با مشکلات زیادی رویاروست اما مقایسه سطح زندگی در طول زمان یا به صورت تطبیقی و میان کشوری، باید مقدار اوقات فراغت افراد را به حساب آورد.

● توصیه ۶: کیفیت زندگی به شرایط عینی و قابلیت‌های افراد بستگی دارد. باید برای بهبود سنجه‌های بهداشت، آموزش، فعالیت‌های فردی و شرایط محیط‌زیست، گام‌هایی برداشته شود. به ویژه توسعه سنجه‌های قابل اتکایی برای پیوندهای اجتماعی، اعتراض سیاسی و عدم امنیت لازم است.

<sup>۸</sup> - در آمار، میانه (Median)، گرایش به مرکز را اندازه می‌گیرد و عددی است که یک جمعیت آماری یا یک توزیع احتمال را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند. در مقایسه با میانگین، میانه از اعداد بسیار بزرگ و بسیار کوچک مجموعه اندازه‌ها، اثر نمی‌پذیرد.

- توصیه ۷: نماگرهای کیفیت زندگی مربوط به تمامی ابعاد باید نابرابری‌ها را به روشی جامع پوشش دهند. سنجش نابرابری در کیفیت زندگی باید برای افراد، گروه‌های اجتماعی-اقتصادی، جنسیتی و نسلی انجام پذیرد و به نابرابری‌های جدیدتر مانند مهاجرت نیز توجه ویژه شود.

یکی از دشواری‌های مبحث پایداری به جبران تخلیه منابع و فرسایش محیط زیست مربوط می‌شود؛ احساس بر خورداری از پول کافی برای جبران آثار نامطلوب روی محیط زیست، موجب شده تا اقدامات در زمینه برداشت از منابع محیط زیستی، شدید و سریع باشد. اما توصیه کمیسیون این است که به معضلات ناشی از تخلیه دارایی‌های زیست محیطی و اثر آنها روی بقا و رفاه انسان توجه دقیقی شود (همان، ص ۵۹).

در مطالعات توسعه نه تنها روی پایداری اقتصادی و زیست محیطی بلکه روی پایداری اجتماعی و سیاسی نیز تاکید می‌شود. برای این جنبه‌های مهم از جامعه، سنجه‌های خوبی نداریم. با این وجود، برخی از جنبه‌های مهم پایداری سیاسی، عبارتند از دسترسی به امکان اعتراض، پایداری اجتماعی و کیفیت فرصت‌ها. باید برای این متغیرها نیز سنجه‌هایی توسعه یابد. چنین تاکیدی دارای دلالت‌هایی برای سنجش توسعه اقتصادی است که می‌توان مهمترین آنها را به شرح زیر فهرست کرد:

- اهمیت مفهوم فراگیری
  - مفهوم فراگیری به معنای کنار گذاشتن مفهوم رشد یا بی‌اهمیت دانستن آن نیست بلکه به میانگین فرصت‌های در دسترس افراد و چگونگی توزیع این فرصت‌ها میان جمعیت اشاره دارد. لازم است تا فرصت‌های ناشی از رشد اقتصادی در دسترس همه افراد جامعه باشد و در این زمینه، تبعیض یا محرومیت وجود نداشته باشد.

- اهمیت مفهوم کیفیت فرصت‌ها
  - منظور از کیفیت فرصت‌ها ایجاد امکان مشارکت اقتصادی جمعیت فعال از یک سو و کاهش نابرابری در نتیجه این مشارکت از سوی دیگر است. افزون بر این، کیفیت فرصت به معنای عدم محرومیت گروه خاصی از جمعیت از این فرصت‌هاست؛ گروه‌های جنسیتی، مذهبی، قومی، سیاسی و ...

- اهمیت سنجش برونداد، بهره‌وری

○ در بسیاری از ارزیابی‌ها، تعداد اسمی یک یا چند متغیر ورودی، بدون توجه به بهره‌وری و کیفیت کار، به مثابه جنبه رفاهی احتساب می‌شوند؛ برای نمونه افزایش تعداد نیروی پلیس، تعداد خودروی پلیس، یا تجهیزات نظامی به‌ضرورت به معنای افزایش امنیت یا احساس امنیت در میان شهروندان نیست. احساس امنیت به التزام نیروهای پلیس به دفاع از امنیت شهروندان، برخورد مناسب و محترمانه با افراد متهم یا مراجعان به ادارات پلیس و عدم تبانی با تبهکاران بستگی دارد. در صورتی که نیروهای پلیس، سوگیری جناحی آشکار داشته باشند نیز این احساس امنیت خدشه‌دار می‌شود. افزون بر این، استفاده از تجهیزات با کمترین میزان خطا نیز احساس امنیت را می‌افزاید. بنابراین تمرکز روی برونداد و بهره‌وری به معنای ارزیابی عملکرد و رفاه مادی یا روانی در میان گیرندگان خدمات مربوطه و کل شهروندان است.

● اهمیت پرهیز از نگرش تک‌بعدی

○ نگرش تک‌بعدی در سنجش عملکرد توسعه موجب خطا یا تخمین غیرواقعی در این عملکرد می‌شود. برای نمونه، سنجش میزان مردم‌سالاری یا دموکراسی بر اساس فقط میزان مشارکت در انتخابات یا تعداد برگزاری انتخابات، شاخص دقیقی برای ارزیابی میزان مشارکت و مردم‌سالاری نیست. تعداد انتخابات و انتخاب توسط شهروندان فقط یکی از ابعاد دموکراسی است در حالی که بعد مشارکت انتقادی، آزادی انتقاد و التزام به پاسخگویی به انتقاد در فضایی باز و بدون سانسور یا محدودیت و فشار به هر گونه رسانه، بعد مهم دیگری از مردم‌سالاری و مشارکت است که باید مورد توجه قرار گیرد و در ارزیابی حکمرانی خوب، احتساب شود.